

## مقدمه

هر بار که خطری، بشر خلاق هنرمند را از خویشتن خویش و از هویت اصلیش دور می‌کند، مثل جنگ‌ها و حکومت‌های توتالیتر، هنر جدید، غنی، سرشار، وسیع و یاسخ‌دهندهٔ رمان (قصه) وفادارانه، به یاری بشر می‌شتابد. هنگامی که تاریخ متحول و ترسناک اروپای قرن بیستم، آرامش را از شهروندش می‌گیرد، قصه‌نویس‌هایی چون کافکا، کوندرا، جوئیس و وولف از خطرات اجتماع و جهان پیرامون انسان پرده برمی‌دارند. گاهی نیز کسانی چون هایدگر و کی‌یرکگور، حتی آیندهٔ وی را نیز پیش‌بینی می‌کنند و در برابرش قرار می‌دهند. قصهٔ چندصدایی معاصر برای روشن‌ساختن هستی انسان نوشته‌ش می‌شود و می‌کوشد تا معمای زمان بشری را جایگزین خاطرات شخصی کند و چند دورهٔ تاریخی را در فضای قصه، واحد کند. قصهٔ معاصر بر آن است که در هر مرحله از تاریخ تحول، جزئی ناشناخته از هستی را کشف کند و زیر لوای هیچ ایدئولوژی، از مسیر وفادارانه و افشاگر خود، خارج نشود؛ چرا که رمان در جست‌وجوی حقیقت است، و این پیش از هر چیز، در فرهنگی که خصوصاً در جهان غرب، لحظه لحظه، از اصل انسانی و ذاتی بشر فاصله می‌گیرد، ضروری است. این میراث گرانیهای سروانتس، برای آفرینش جهانی بهتر، با نیرویی نهفته پیش خواهد راند، و گمان نمی‌رود که در تعلق رمان به جامعهٔ جدید، جای هیچ‌گونه تردیدی باشد، چون این شکل ادبی اساساً زادهٔ عصر جدید است و سابقهٔ آن از قرن هفدهم میلادی فرا می‌رسد. حال این سؤال پیش می‌آید که:

۱. چرا انسان عصر جدید، از بین سایر انواع ادبی، این نوع ادبی را انتخاب می‌کند؟  
 ۲. چرا انسان عصر جدید، با آن‌که در زمینهٔ انواع ادبی از دیرباز هیچ کم و کسری نداشته است، به فکر ایجاد شکلی به کلی تازه و بی‌سابقه می‌افتد؛ شکلی که به گفتهٔ آندره ژید در «سکه‌سازان»، از میان همهٔ شکل‌های ادبی آزادتر و بی‌قانون تر است.

به این سؤال، رمان‌شناسان جدید پاسخ‌های گوناگون داده‌اند. به عنوان نمونه، آرنولد کنتل در «درآمدی بر طرز رمان در انگلستان، پیدایش رمان را به فروپاشی نظام فئودالی و به دیگرگونی‌های انقلابی قرن شانزدهم و هفدهم نسبت می‌دهد. وایان وات در «پیدایش رمان»، ظهور این نوع ادبی را در توازی با واقع‌گرایی فلسفی در قرن هفدهم، خاصه دکارت و لاک قرار می‌دهد و آن را به رها کردن جهت‌گیری‌های «برون‌گرایانه و اجتماعی و عمومی که خاص جهان کهن بود» و روی آوردن به جهت‌گیری‌های «درون‌گرایانه و فردگرایانه و خصوصی‌تر» مربوط می‌سازد. پس در نظر وات، به گفتهٔ میریام لوت در «رمان» به روایت رمان‌نویس، به‌موازات این گرایش در فلسفه، که جست‌وجوی حقیقت

## ● فرخنده حاجی‌زاده

را امری به تمام معنی فردی قلمداد می‌کند. در ادبیات نیز گرایشی پدید می‌آید که به حسب آن رمان، از قبول طرح‌های داستانی کهن که مختص حماسه‌های باستانی و نیز حماسه‌های دوران نوزایی است سر باز می‌زند و آن نوع طرح‌ها را مطرود می‌شمارد. در نتیجه رمان از جملهٔ نتایج دل‌برکندن خود آدمی از قیود کهن و دست و پاگیر جوامع کهن می‌شود و در پی آزادی بی‌قید و شرط او بدان مقصود که جامعهٔ مطلوب خود را بسازد و فرهنگ آن جامعه را به دست خویش و به بازی خرد و تخیل خود رقم زند. در نتیجه رمان‌نویس، آزادی تخیل را گرانبهاترین دارایی خویش قلمداد می‌کند، چون آزادی تخیل ترفندی است برانزدهٔ روح لجباز و عنان‌گسل انسانی که نخست به خلق پنداری پوچ و بیهوده همت می‌کمارد و آن‌گاه با جان و دل می‌کوشد تا برای همان پندار خودساخته، تبارنامه‌ای بالابند از نیاکانی والامقام و برجسته فراهم آورد. چون دریافته است تنها چیزی که او را به گذشته پیوند داده و به آینده می‌برد، چیزی است که زبان شفاهی را رد می‌کند و مکتوب می‌شود؛ زیرا آن چه مکتوب می‌شود دست رد بر سینهٔ مرگ می‌زند. حال آن‌که بیان شفاهی همان اندازه که زندگی را افتتاح می‌کند، همان اندازه هم آن را تهدید می‌کند و آن‌جا که بیان شفاهی در حمایت از حضور شکست می‌خورد، نوشتن ضرورت پیدا می‌کند و آن‌جا که نوشتن ضرورت پیدا می‌کند، قصه آغاز می‌شود. و شاید از همین روست که درینا می‌گوید: «رمان، نوشتهٔ پایان‌ناپذیری است که بدون گفتن روایت می‌کند و بدون روایت می‌گوید و این قانون است». قانون روایت که یکی از زیباترین زمان‌های انسانی است، چیزی است که زمان انسانی دارد، تخیل خلاق دارد و پشت سرش به قول فوکو باید دید معاصر وجود داشته باشد تا دگرگونی مطلق به‌وجود آید. و با تکیه بر همین واقعیات است که می‌توانیم با اطمینان خاطر بگوییم، تحولی که در ادبیات فارسی در چند دههٔ گذشته رخ داده است، به‌راستی نشانهٔ گذار جامعهٔ ما از مرز جوامع کهن با فرهنگ‌های قومی و محلی به جامعهٔ جدید جهانی با فرهنگی جهانی و یگانه است، و این حکایت از آن دارد که بنیاد زیباشناسی جامعهٔ ما با این تحول، به کلی زیر و رو شده است، یعنی از زیباشناسی محدود و محلی که رو به گذشته‌ها و حفظ سنت‌ها داشت، به زیباشناسی بی‌جهانی و نامحدود که رو به جهان آینده و رخدادهای غیرمترقبه و ناشناخته دارد، تغییر ماهیت داده است. ■

## منابع

۱. میریام لوت / رمان به روایت رمان‌نویس / ترجمهٔ علی محمد حق‌شناس
۲. رضا برهانی / کارگاه قصه و شعر
۳. علی محمد حق‌شناس / مقالهٔ رمان و عصر جدید در ایران / مجلهٔ نگاه نو / شمارهٔ ۲۶